



Content Aesthetics of Ashura Elegies by Sharif Razi and Nusrat Ardabili

Mahin Daeichin¹ | Mohammad Ibrahim Maalmir² | Gholamreza Salemain³

1. Ph.D. Student, Department of Persian Language, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: mahin.daeichin@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor of Persian Language and Literature Dept, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: dr_maalmir@razi.ac.ir
3. Assistant Professor of Persian Language and Literature Dept, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: saleman@razi.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 09 November 2019

Received in revised form:
05 February 2021

Accepted: 09 February 2021

Keywords:

Sharif Razi,
Nusrat Ardabili,
Comparative Literature,
Content aesthetics,
Ashurai Literature,
Elegy.

ABSTRACT

Numerous intellectual, cultural, religious, and religious, and religious commonalities and the use of common epistemological resources and Arabic verbal communication, in the scientific and literary works of their speakers, it creates of similarities, inequalities and influences, and influences, and influences, and specific features and styles. One of the obvious examples of this claim is the subject of Ashura literature and lamentation in these two languages. It is believed that this article compares Nusrat Ardabilis lamentations with the mystic poets of the Qajor and Sayeed Razi professions in a comparative manner and based on a descriptive method based on library exploration and has obtained these general results. The Shiite poet has similarities influenced by single source, oppression, sufferings and circumstances of Imam Hussein (AS) and his companions and the characteristics of Yazids troops, and the validity of artistic, linguistic, linguistic and approaches. Descriptive and personal illustrations have the following implications: The type of poetic formats, array tricks, the forms of meanings and emotional spaces that govern the poets thought and each of them have dealt with specific issues that have an individual approach and artistic style of doctrinal and emotionally Believing that shows each one is on display.

Cite this article: Daeichin, M., Maalmir, M. I. & Salemiyan, G. R. (2022). Content Aesthetics of Ashura Elegies by Sharif Razi and Nusrat Ardabili. *Research in Comparative Literature*, 12 (1), 21-48.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: [10.22126/JCCL.2021.4746.2047](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.4746.2047)



جماليات المراثي الحسينية للسيد رضي ونصرت أردبيلي

مهين داني جين^١ | محمد ابراهيم مالير^٢ | غلامرضا سالميان^٣

١. طالبة دكتوراه في فرع اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران. العنوان الإلكتروني:

mahin.daeichin@gmail.com

٢. الكاتبة المسؤولة، أستاذ مشارك في قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران. العنوان الإلكتروني:

dr_maalmir@razi.ac.ir

٣. أستاذ مشارك في قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران. العنوان الإلكتروني:

salemian@razi.ac.ir

الملخص

معلومات المقال

العديد من القواسم المشتركة الفكرية و الثقافية و الدينية و المذهبي واستخدام المصالح المعرفية المشتركة وأساليب محددة للتطبيق و العرض في التواصل اللاهوتي باللغة الفارسية و العربية، في الأعمال العلمية و الأدبية للمتحدثين، و جوانب التشابه و التناقضات و التأثيرات و إنشاء مييزات و أنماط مخصصة. أحد الأمثلة الواضحة لهذا الادعاء هو موضوع أدب عاشوراء و ندب في هاتين اللغتين. وفقاً لهذا الاعتقاد، قارنت هذه المقالة التقييم متعدد الأوجه لثناء نصرت أردبيلي مع الشعراء الصوفيين في عصر القاجار و سيد شريف رضي بطريقة مقارنة و استناداً إلى طريقة وصفية تستند إلى أبحاث المكتبة. و قد تم التوصل إلى هذه الاستنتاجات العامة على أن: رواية هذين الشاعرين الشيعيين لها أوجه شبه متشابهة من نفس المصادر في التعبير عن جوانب مختلفة من حادثة كربلاء مثل وصف شجاعة و قهر و معاناة و ظروف الإمام الحسين (ع) و أصحابه و خصائص القوات يزيد هي. و بسبب مناهجهم الفنية و اللغوية و الوصفية و الرسوم التوضيحية الفردية، لديهم التناقضات التالية: نوع التنسيقات الشعرية، وحيل المصنوفة، و أشكال للعباني، و المساحات العاطفية التي تحكم فكر الشاعر، و تعامل كل منها أيضاً مع قضايا خاصة أظهرت النهج الفردي و الأسلوب الفني و زوايا الإيمان و العاطفة و المعتقد يكون.

نوع المقال: مقالة محكمة

الوصول: ١٤٤١/٣/١١

التقيح والمراجعة: ١٤٤٢/٦/٢٢

القبول: ١٤٤٢/٦/٢٦

الكلمات الدلالية:

شريف رضي،
نصرت الأردبيلي،
الأدب المقارن،
أدب العاشوراء،
جماليات المحتوى،
الثناء.

الإحالة: داني جين، مهين؛ مالير، محمد ابراهيم؛ سالميان، غلامرضا (١٤٤٣). جماليات المراثي الحسينية للسيد رضي ونصرت أردبيلي. بحوث في الأدب المقارن، ١٢

(١)، ٢١-٤٨.



© الكتاب.

النشر: جامعة رازي

DOI: [10.22126/JCCL.2021.4746.2047](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.4746.2047)



زیباشناسی محتوایی مرثیه‌های عاشورایی شریف رضی و نصرت اردبیلی

مهین دائی چین^۱ | محمدابراهیم مالمیر^۲ | غلامرضا سالمیان^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: mahin.daeichin@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: dr_maalmir@razi.ac.ir
۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: salemian@razi.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

اشتراک‌های متعدد فکری، فرهنگی، دینی و مذهبی و بهره‌گیری از منابع مشترک معرفتی و اسلوب اختصاصی کاربرد و ارائه آن‌ها در ارتباطات کلامی زبان فارسی و عربی، در آثار علمی و ادبی گویندگان آن‌ها، وجوهی از همانندی‌ها، ناهمانندی‌ها و اثرپذیری‌ها و ویژگی‌ها و سبک‌های اختصاصی را به وجود می‌آورد. یکی از مصادیق بارز این مدعا موضوع ادبیات عاشورایی و مرثیه‌سرایی در این دو زبان است. بر این باور، این مقاله به شیوه تطبیقی و بر مبنای روش توصیفی و مبتنی بر کاوش کتابخانه‌ای به مقایسه سنجشی چندسویه مرثیه‌های نصرت اردبیلی، از شاعران عارف مسلک عهد قاجار و سید رضی پرداخته و به این نتایج کلی دست یافته است که مرثیه‌های این دو شاعر شیعی دارای همانندی‌هایی متأثر از منابع واحد در بیان ابعاد مختلفی از واقعه کربلا مثل توصیف شجاعت‌ها، مظلومیت‌ها، مرارت‌ها و احوالات امام حسین (ع) و یاران او و ویژگی‌های سپاهیان یزید هستند و به اعتبار ویژگی‌های هنری و زبانی و رویکردهای توصیفی و تصویرسازی‌های فردی، ناهمانندی‌هایی دارند که از آن جمله‌اند: نوع قالب‌های شعری، ترفندهای آرایه‌ای، صور معانی و فضاهای احساسی حاکم بر اندیشه شاعر و هر یک از آن‌ها نیز به موضوع‌های خاص و ویژه‌ای پرداخته‌اند که رویکرد فردی و اسلوب هنری و زوایای باوری و عاطفی - اعتقادی هر یک را به‌نمایش گذاشته است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۱/۱۷

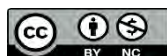
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

واژه‌های کلیدی:

شریف رضی،
نصرت اردبیلی،
ادبیات تطبیقی،
زیباشناسی محتوایی،
مرثیه.

استناد: دائی چین، مهین؛ مالمیر، محمدابراهیم؛ سالمیان، غلامرضا (۱۴۰۱). زیباشناسی محتوایی مرثیه‌های عاشورایی شریف رضی و نصرت

اردبیلی. کوش‌نامه ادبیات تطبیقی، ۱۲ (۱)، ۲۱-۴۸.



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: [10.22126/JCCL.2021.4746.2047](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.4746.2047)

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

رثا یا مرثیه از انواع ادبی و زیرشاخه ادبیات غنائی است (شمیسا، ۱۳۹۳: ۲۲۴) و پیشینه آن در میان اعراب به پیش از اسلام و منازعات قبایل و قدمت آن در ایران به مرثیه‌ای در ایران باستان و در رثای یکی از پیشوایان مانوی به نام «مرکوز» می‌رسد. مرثیه عاشورایی نیز ابتدا در ادبیات عرب آغاز و از آنجا به فرهنگ‌های دیگر مخصوصاً فرهنگ ایرانی وارد شده است (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۶ و ۱۰۲). شعرای زیادی در عرب به مرثیه‌سرایی پرداخته‌اند، که از بزرگ‌ترین آن‌ها دعبل خزاعی است (اژدری فایقی، ۱۳۸۹: ۲). مرثیه‌سرایی عرب، به‌خصوص در دوران جاهلی و عباسی، تأثیر عمیقی بر مرثیه‌های فارسی داشته است و شعرای فارسی‌زبان، از مرثیه عرب بهره‌ها جسته‌اند؛ اما جوشش مرثیه‌های فارسی، غالباً کمتر از مرثیه عربی است (امامی، ۱۳۶۹: ۱۷).

رثای مذهبی از حدود قرن ۵ و ۶ به آرامی وارد ادبیات فارسی شد که اوج آن را مربوط به دوره صفویه و ظهور محتشم کاشانی دانسته‌اند (کافی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۱۰). این گونه ادبی در ایران بیشتر در سوگ امام حسین (ع) و یاران آن بروز داشته و در ادبیات شیعی، قسمت اعظم آن با عنوان ادبیات عاشورایی نمود یافته است و «در حقیقت باید آن را رویارویی حق و باطل، فضیلت و رذیلت، داد و بیداد و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها نامید.» (آل‌بویه لنگرودی، ۱۳۹۲: ۲) شاعران این دیار در هیچ واقعه‌ای به‌مانند واقعه کربلا، با سوز و گداز درونی سخن نگفته‌اند (خزعلی، ۱۳۸۳: ۶۴).

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

نصرت اردبیلی^(۱) و سید شریف رضی^(۲)، از شاعران مرثیه‌سرای عاشورایی هستند و هر دو به توصیف وقایع کربلا پرداخته‌اند. ضرورت و هدف از این بررسی، ملموس کردن و روشن کردن اشتراکات و افتراقات فرهنگی و مذهبی و ادبی مرثیه این دو شاعر است.

امروزه یکی از مصادیق بارز مطالعات تطبیقی ادبیات عربی و فارسی، مرثیه‌سرایی دینی و در نوع خاص آن ادبیات عاشورایی است، که در این جستار، به تطبیق مرثیه عاشورایی نصرت (ترکیب‌بندی ۱۶ بندی) و مرثیه‌های عاشورایی سید رضی پرداخته شده است، تا از این رهگذر به پرسش‌های ذیل پاسخ داده باشد.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- مرثیه امام حسین (ع) با چه مضامینی در اشعار سید رضی و نصرت اردبیلی نمود پیدا کرده است؟
- وجه تشابه و تفاوت مضامین این شاعران در رثای سالار شهیدان (ع) از نظر محتوایی کدام‌اند؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

درباره نصرت اردبیلی تاکنون مقاله مستقلی نوشته نشده و تحقیقی صورت پذیرفته است؛ اما تذکره‌های فارسی و کتب تاریخی مطالبی را به صورت جسته و گریخته و پراکنده در احوالات ایشان نگاشته‌اند و از آن جمله است: هدایت (۱۳۸۲) و شیروانی (۱۳۱۵) و شیرازی (۱۳۴۹) و دیوان بیگی شیرازی (۱۳۶۶) و دولت‌آبادی (۱۳۷۷) و بامداد (۱۳۷۸) و مجتبی‌زاد (۱۳۹۰) و تربیت (بی‌تا) که هر کدام به بیان مختصری از زندگی شاعر پرداخته‌اند و از منظر تاریخی خورموجی (۱۳۴۴) و اعتمادالسلطنه (۱۳۶۷) و جهانگیر میرزا (۱۳۸۴) و شمیم (۱۳۸۷) پیرامون زوایایی از روابط و جایگاه او در دربار قاجار و تعاملات و تقابلات او با درباریان عصر خود سخن گفته‌اند.

در مورد شریف رضی و یا مبحث مرثیه‌سرایی، آثار زیادی نوشته شده است، که به ذکر مواردی محدود از آن‌ها می‌پردازیم: حجازی (۱۴۲۵) در کتاب حسین بن علی در آینه شعر فارسی، به موضوع‌هایی کلی از ادبیات عاشورایی و مرثیه پرداخته است. گل محمدی (۱۳۶۶) در کتاب عاشورا و شعر فارسی در ترکیب‌بندهای معروف شعرای بزرگ به موضوع عاشورا در شعر شاعران مشهور پرداخته است. محمدرضایی و کیا (۱۳۸۹) در مقاله «جستاری بر مرثیه‌های شریف رضی و محتشم کاشانی»، به برخی از مضامین کلی و مشترک این دو شاعر پرداخته‌اند. ولی زاده و تقی‌لو (۱۳۹۵) در مقاله «سوگواره سرایی در قصاید شریف رضی، ترجیع‌بند فراهانی و حدیقه السعدای فضولی»، به برخی از مضامین مشترک مرثیه‌های آن‌ها پرداخته‌اند. امیدعلی (۱۳۹۶) در مقاله «امام حسین در شعر شیعی شریف رضی»، فقط به معرفی قصاید پرداخته است. مقالات دیگری نیز در همین زمینه‌ها به چاپ رسیده است که می‌توان نمونه‌هایی از آن‌ها را در مجله کاوش‌نامه و سایر مجله‌های علمی کشور ملاحظه کرد و به فهرستی از آن‌ها در ایرانداک یا پرتال جامع علوم انسانی دست یافت.

۵-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

تحقیق در این مقاله، با روش اسنادی و توصیفی - تحلیلی به طریق کتابخانه‌ای و بر مبنای ادبیات تطبیقی مبتنی بر مبنای مکتب فرانسوی در ترکیب‌بند مرثیه‌ای ۳۳۱ بیتی نصرت و مرثیه سید شریف صورت گرفته است. از آنجا که در شواهد مثالی نصرت از نسخه خطی استفاده شده است، از ارجاع به متن دست‌نوشته صرف نظر شده است. در ضمن به دلیل بیان مضمون و رعایت سیاق نوشتار و نیز برای رعایت حجم مقاله، از آوردن ترجمه بعضی از اشعار شریف رضی نیز خودداری شد؛ خواننده می‌تواند در صورت لزوم به ترجمه دیوان وی مراجعه فرماید (زارع مهرجردی، ۱۳۹۶).

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. بررسی وجوه تشابه

۲-۱-۱. انگیزه‌های وقوع کربلا

۲-۱-۱-۱. چرخ و روزگار

یکی از دلایل انگیزه کربلا در مرتبه هر دو شاعر روزگار است، که سرچشمه این عقیده، اندیشه جبرگرایی است؛ اندیشه‌ای که از سوی حکومت‌ها، به خاطر منافع و حفظ قدرت ترویج می‌شد؛ تا بلکه ظلم خود را توجیه کنند (سبحانی، ۱۳۶۱: ۱۰۸-۱۰۷). نصرت در بند ۱۵ و در ۳۱ بیت، روزگار را مقصر می‌داند.

ای چرخ کج مدار چه رفتار کرده‌ای رفتار کرده‌ای و چه بدکار کرده‌ای

تا حشر بوی خون به مشام جهان رسد خونی به کربلا که تو خون خوار کرده‌ای

سید رضی، خورشید را که نمادی از روزگار است، در حادثه کربلا دخیل می‌داند. وی با آوردن استعاره مصرحه شمس (امام و یارانش) می‌گوید: ای خورشید آسمانی که خورشیدهای واقعی را پوشانیده و محو کرده‌ای، در حالی که از لحاظ نورانیت و رفعت به آن‌ها نزدیک نخواهی شد. وی خطاب به امام حسین می‌گوید: ای کشته‌شده‌ای که روزگار با کشتن او ستون‌های دین و نشانه‌های هدایت را نابود کرده است:

تَكْسِفُ الشَّمْسُ شُمُوساً مِنْهُمْ لَا تُدَايِنُهَا ضِيَاءٌ وَ غَلِي

(الشریف الرضی، ۱۴۵۱، ج ۱: ۴۸)

يَا قَتِيلاً قَوَّضَ الدَّهْرُ بِهِ عُمَدَ الدِّينِ وَأَعْلَامَ الْهُدَى

(همان: ۴۹)

۲-۱-۱-۲. اختلافات صدر اسلام

در تاریخ برای ریشه‌های عاشورا، به کینه‌توزی و انتقام‌امویان از کشتگان بدر و احد و نیز موضوع ولایت و جانشینی پیامبر (ص) اشاره کرده‌اند. (القیروانی، ۱۹۸۱: ۱۱۸) نصرت، به این کینه‌توزی‌ها و ماجرای سقیفه و نیز یکی از تبعات آن، که آتش زدن در منزل حضرت زهرا (س) است، اشاره کرده است:

آن دود از زبانه روز سقیفه بود دود سقیفه بود ولی جاودان فتاد

آن آتشی که بر در خیرالنسا زدند چندی به خاک رفت و ز مردم نهران فتاد

از کشتگان بدر همی یاد کرده‌ای شادی ز انتقام خود اظهار کرده‌ای

رضی، با تعبیر «ثارات» می‌گوید: اهل کفر، خون‌بها و میراث جاهلی خود را از اهل بیت طلب کرده و بدین گونه (به‌ظاهر) ستم و گمراهی بر اهل بیت پیروز شده و به آرامش درونی رسیدند (کفار با انتقام آتش کینه خود را خاموش کردند).

أَذْرَكَ الْكُفْرُ بِهِمْ نَارَاتِهِ وَأَزِيلَ الْعَيَّ مِنْهُمْ فَأَشْتَفَى

(الشریف الرضی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۹)

۲-۱-۲. انواع و شدت جنایات بنی امیه

۲-۱-۲-۱. بستن آب

نصرت می‌گوید که قطعی آب اولین جفای یزیدیان به‌مانند خیل بلا (اضافه تشبیهی و استعاره از یزیدیان) بود، که به‌جای آب، بانوک نیزه اهل‌بیت را سیراب کردند.

خیل بلا که رو به در آن جناب بود اوّل بلا که حلقه بزد، قطع آب بود
... دیدی مگر که آب ندادند و آب داد پیکان آب‌خورده به حلقوم اصغری

سید رضی می‌گوید: اهل‌بیت تشنه‌گامانی بودند، که به‌جای آب از نوک نیزه‌ها سیراب شدند و قرار گرفتن نیزه در پهلویشان سوز تشنگی و آب گوارا را از یادشان برد. در جایی دیگر می‌گوید: آبی نچشیدند تا زمانی که با آواز لبه تیز شمشیرها بر چشمه مرگ جمع شدند:

ظَمَّانَ سَلَى نَجِيعُ الطُّغْنِ غُلَّتُهُ عَنْ بَارِدٍ مِنْ غُبَابِ الْمَاءِ مَقْرُورٍ

(همان: ۴۴۹)

لَمْ يَدُوفُوا الْمَاءَ حَتَّى اجْتَمَعُوا بَحْدِي السَّيْفِ عَلَى وَرْدِ الرَّدَى

(همان: ۴۸)

۲-۲-۱-۲. قربانگاه و قتلگاه ساختن

نصرت در مرتبه‌اش با بسامد و تعابیر زیادی (مانند دریای خون، قتلگاه)، از قربانگاه تصویرسازی کرده است:

یک کشتی شکسته به دریای خون نگر چون تخته‌پاره‌ها بدن کشتگان بین
بر قتلگاه ماه بنی‌هاشمی برو آن ماه منخسف ز غبار جفا بین

رضی، کربلا را قربانگاه و محل ریختن خون‌ها می‌داند و می‌گوید: در کربلا کنار من قرار بگیر، آنجا که خون ما ریخته شد و آنجا که شتران در روز جنگ فرود آمدند:

بِالطَّافِ حَيْثُ غَدَا مُرَاقُ دِمَائِنَا وَمُنَاخُ أَيْتِقَهَا لِيَوْمِ جِلَادِهَا

(همان: ۳۳۹)

۲-۲-۱-۳. ذبح کردن

از دیگر شدت جنایات، هتک حرمت به سر شهدا بود.

سرها بریده شد به بیابان کربلا تا حشر خون رود ز خیابان کربلا

رضی، با تشبیه بلیغ و مفعول مطلق (جزروا جزر) می‌گوید: یزیدیان اهل‌بیت و فرزندان‌شان را به‌مانند گوسفند

قربانی ذبح کرده و بقیه را مانند کنیزان به اسارت بردند:

جَزَرُوا جَزْرَ الْأَصَاحِي نَسَلَهُ ثُمَّ سَأَفُوا أَهْلَهُ سَوَقَ الْإِمَا

(همان: ۴۹)

۴-۲-۱-۲. بر نیزه زدن سرهای ذبح شده

از دیگر جنایات امویان، بر نیزه زدن سر شهدا بود.

در نیزه برده‌ای سر سلطان دین و تاج بر فرق شوم فاجر و خمار کرده‌ای
سرها به نیزه اهل حرم در نظاره بود صدپاره بود دل اگر از سنگ خاره بود

رضی می گوید: اهل بیت را بر شترانی سرکش سوار کردند و خون پیامبر (استعاره از امام) را بر سرنیزه‌ها بالا بردند. جایی دیگر می گوید: امویان سر ذبح شده‌ای را بر نیزه حمل می کردند که زمانی در نماز بر جدش با میل و یا اکراه اقتدا می کردند.

نَسَلُ النَّبِيِّ عَلَى صِعَابٍ مَطِيَّهَا وَ دَمُ النَّبِيِّ عَلَى رُؤُوسِ صِعَادِهَا

(همان: ۳۳۸)

حَمَلُوا رَأْسًا يُصَلُّونَ عَلَى جَدِّهِ الْأَكْرَمِ طَوْعًا وَ إِبَا

(همان: ۵۰)

۵-۲-۱-۲. اسب تاختن بر پیکر شهدا

بعد از شهادت امام (ع)، ده تن از اشقیبا با سم اسبان بر تن امام تاختند (قمی، ۱۳۸۵: ۴۸۵). نصرت به این موضوع نیز اشاره دارد:

بر نعش‌های بی سر اولاد مصطفی جولان و اسب تاختن اشقیبا بین

رضی، خطاب به امویان می گوید: خداوند بر شما در گرفتن ارواح اهل بیت سبقت گرفته است و شما بر جسم شهدا مرتکب گناهان زیادی شدید. وی در جایی دیگر با ناراحتی می گوید: آیا مرا این گونه تصور می کنی که چهره‌ام را محفوظ دارم، در حالی که بر چهره امام اسبها می تازند:

اللَّهُ سَابَقَكُمْ إِلَى أَرْوَاحِهَا كَسَبْتُمْ الْأَثَامَ فِي أَجْسَادِهَا

(همان: ۳۳۸)

أَتْرَانِي أَعْيُرُ وَجْهِي صَوْنًا وَ عَلَى وَجْهِهِ تَجْوُلُ الْخَيُْولُ

(همان، ج ۲: ۱۷۰)

۶-۲-۱-۲. عدم غسل و تکفین

در شعر نصرت، به پیکر امام (ع) که بعد از شهادت تا چند روز، بر روی خاک و زیر آفتاب قرار داشت،

اشاره شده است:

این پیکر چو ماه ندارد چرا کفن
جز خاک و باد و تابش شمس و قمر دریغ
رضی می گوید که: به علت هیبت و بلندی مقام والای امام، وحوش به قتلگاه وی نزدیک نمی شدند و به مدت سه روز بدن امام در آنجا ماند و مدفون نشد:

تَهَايْبُهُ الْوَحْشُ أَنْ تَدُو لِمَصْرَعِهِ وَقَدْ أَقَامَ ثَلَاثًا غَيْرَ مَقْبُورٍ

(همان، ج ۱: ۴۹۹)

۲-۱-۲. اهانت به مسکن و خیمه‌ها

نصرت در مرثیه‌اش اشاره به سوزاندن خیمه‌های اهل بیت (ع) دارد:

آتش زدند خیمه و خرگاه را که شد
آتش در آن معامله چون آب شرمسار
رضی نیز می گوید: امویان ستون خیمه‌هایی را فروپاشیدند؛ که همانا قبل از آن ستون‌های دین را نیز فروپاشیده و سست کرده بودند:

إِنْ قُوضَتْ تِلْكَ الْقَبَابُ فَإِنَّمَا خَرَّتْ عِمَادُ الدِّينِ قَبْلَ عِمَادِهَا

(همان: ۳۳۹)

۲-۱-۲. ۸- حجاب و معجز برداشتن زنان

این موضوع در شعر نصرت از بسامد بالایی برخوردار است.

ای وای دیده‌ای که در آمد ز خیمه‌ای
زینب نه چادر و نه حفاظ و نه معجری

این جسم چاک‌چاک ترا تا کفن کنم
معجز به غیر خاک ندارم به سر دریغ

هم روی جمله فاش چو تابنده آفتاب
هم چشم جمله ابر گهربار کرده‌ای

معجز زبر همه آشفته گیسوان
برقع به رخ ز زلف نگون‌سار کرده‌ای

سید رضی می گوید: در آن روز نه دامنه پرده‌ای و پوششی بود، نه سایه چادری، تا بلکه مانع نگاه چشم‌ها شود و هیچ سایه خیمه‌ای بر سر آنان نبود:

يَوْمٌ لَا كِسْرَ حِجَابٍ مَانِعٍ بِذَلَّةِ الْعَيْنِ وَلَا ظِلٍّ خَبَا

(همان: ۴۹)

۲-۱-۲. ۹. اسارت اهل حرم

نصرت به اسارت اهل حرم و پیمودن راهی طولانی از کربلا تا به شام و با حالتی سر برهنه و زنجیر بر دست و

پای اشاره می‌کند:

هم دست جمله بسته به یک رشته از جفا هم پای جمله خسته ز رفتار کرده‌ای
از کربلا به کوفه و از کوفه تا به شام بی‌پرده‌شان به کوچه و بازار کرده‌ای

رضی می‌گوید: اسرای اهل حرم به‌مانند راندگانی بودند که به دنبال مرکبی و بر زمینی ناهموار در حال افت و خیز بودند و بر پشت شترانی لاغر و سم ساییده دوانیده می‌شدند. خستگانی بودند، که از درد رهنوردی، بر پشت شترانی کوهان بریده در رنج بودند (کنایه از اوج سختی).

وَمَسُوقٍ عَاطِرٍ يُسْعَىٰ بِهِ خَلْفَ مُحَمَّدٍ عَلَىٰ غَيْرِ وَطَا
مُتَعَبٍ يَشْكُو أَدَى السَّيْرِ عَلَىٰ نَقَبِ الْمُنْسِمِ مَجْدُولِ الْمَطَا

(همان: ۴۹-۴۸)

۲-۱-۳. توصیف سپاه حسینی (ع)

۲-۱-۳-۱. غربت

یکی از تعابیر پربسامد در توصیف سپاه امام حسین، غم غربت و بی‌یاوری امام است:

دیدنی تو لشکری که ز پا اوفتاد و ماند تنها غریب و بی‌کس و بی‌یار و یاوری

سید رضی، با تعابیر غریب الدیار و ما حاموا و لا نصر و ما به موضوع غربت و بی‌یاوری امام پرداخته است. وی می‌گوید: ای غریب این دیار، صبر من مایه تعجب است، ای به قتل رسیده دشمنان خواب من نیز به قتل رسیده است (کنایه از دور شدن خواب).

يَا غَرِيبًا لِذِيَارِ صَبْرِي غَرِيبٌ وَ قَتِيلَ الْأَعْدَاءِ نَوْمِي قَتِيلٌ

(همان، ج ۲: ۱۷۰)

۲-۱-۳-۲. عامل نجات و هدایت

نصرت امام را ناجی و ناخدای کشتی ایمان و سکان‌دار دین دانسته، که برگرفته از حدیث «إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحُ الْهُدَىٰ وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ» است:

این ناخدای کشتی ایمان که نوح از او کشتی نجات داده ز طوفان حسین توست
کشتی آل احمد مختار بین که چون افتاده در تلاطم گرداب و انقلاب

رضی با تعابیر عمادالدین، اعلام الهدی، فوزاً و نجاً می‌گوید: روزگار با کشتن امام، ستون‌های دین و نشانه‌های هدایت را محو کرد و می‌گوید: برای کسی که همراه با پیامبر خدا مایه‌های رستگاری و نجات بخواهد، جز شما که بدان امید ببندد، دیگران کجا هستند؟

يَا قَتِيلاً قَوْضَ الدَّهْرِ بِهِ عُمَدَ الدِّينِ وَ أَعْلَامَ الْهُدَى

(همان، ج ۱: ۴۹)

أَيْنَ عَنُكُمُ لِلَّذِي يَرْجُو بِكُمْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فَوْزاً وَ نَجَاً

(همان: ۵۱)

۲-۱-۳. نورانیت و روشنایی

از آنجا که امام، نقش هدایت و روشنگری دارد، با تعابیر آفتاب، ماه و مصابیح، که حول روشنایی و نور هستند، معرفی شده‌اند:

در نیزه این سر تو بود یا که در فلک یک نی بلند گشته و خورشید انور است

رضی نیز می‌گوید: صورت‌های اهل بیت که مانند چراغ‌هایی روشن بودند، به کردار ماه و ستاره‌هایی نورانی محو شده و بر زمین افتادند:

وَ وُجُوهُهَا كَالْمَصَابِيحِ فَمِنْ قَمَرٍ غَابٍ وَ نَجْمٍ قَدْ هَوَى

(همان: ۴۸)

۲-۱-۳-۴. استغاثه به اهل بیت (ع)

تشابه دیگر استغاثه به اهل بیت (ع) است:

مادر بیا چو شیر خروشان به قتلگاه نیرنگ و گرگ بازی چرخ دغا بین

رضی می‌گوید: اهل بیت مادری را استغاثه می‌زد که خدا برای او در بین زنان عالم نشانه‌ای بلند را برافراشته بود و می‌گوید: چه جد و چه پدر نیکویی را فرامی‌خوانند؛ ای جدم و ای پدرم مرا فریادرسی کنی.

وَ بِأُمِّ رَفَعِ اللَّهُ لَهُ عَلِمًا مَا بَيْنَ نِسْوَانِ الْوَرَى

أَيُّ جَدٍّ وَ أَبِي يَدْعُوهُمَا جَدًّا يَا جَدًّا أَعْتَبِي يَا أَبَا

(همان: ۵۰)

۲-۱-۳-۵. شدت قطعه‌قطعه‌شدن پیکرها

از همانندی‌ها دیگر، اشاره به شدت جراحات نیزه‌ها و در نتیجه قطعه‌قطعه‌شدن پیکر شهدا است:

اعضای سروران همه از هم سوانگر اجزای یاوران همه از هم جدا بین

چندان که تیغ و تیر به روی هم آمده در پیکر شریف نمانده است جا بین

رضی برای به‌تصویر کشیدن شدت تیرها بر پیکر امام، از تعابیر در آغوش کشیده‌شدن و بوسیده‌شدن با تیر و نیزه استفاده می‌کند:

قَبَائِلُهُ الرِّمَاحُ وَ انْتَصَلَتْ فِيهِ الْمَنَايَا وَ عَانَقَتْهُ التُّصُولُ

(همان، ج ۲: ۱۷۰)

۲-۱-۳-۶. شجاعت

از همانندی‌ها دیگر هر دو شاعر، اشاره به شجاعت امام است:

آن یکه‌تاز روز شجاعت که خصم او بگرفته بود بر و بیابان حسین توست

سید رضی در دلیری و استقبال شهدا برای شهادت می‌گوید: مرگ در دست آن‌ها به لرزه و ترس درآمده و با جسارت خود، غارتگران را به تاراج می‌بردند:

مَغَاوِرُ قَوْمٍ يَرُوغُ الْمَوْتُ مِنْ يَدِهِ أَفْسَى وَ أَصْبَحَ نَهْبًا لِلْمَغَاوِرِ

(همان، ج ۱: ۴۵۰)

۲-۱-۳-۷. ارزش خون

نصرت در ۲۲ بیت از بند ۶، و در ابتدای ابیات با تکرار «این خون اگر نبود»، از ارزش خون امام (ع) سخن می‌گوید و تنها خون‌بهای لایق امام را، وصل خداوند می‌داند.

بر روی خاک پاک بیابان کربلا خونی که جز خداهش نبود خون‌بها بین

رضی چندین جای خون امام را، همانند قدر و ارزش خون پیامبر معرفی کرده و یزیدیان و یزادیان را سرزنش می‌کند، که چرا خون امام را از روی دشمنی ضایع ساختند:

مِنْ غُصْبَةٍ صَاعَتْ دِمَاءُ مُحَمَّدٍ وَ بَيْنَهُ بَيْنَ يَزِيدِهَا وَ زِيَادِهَا

(همان: ۳۳۹)

۲-۱-۴. توصیف یزیدیان

۲-۱-۴-۱. ظلمت و سیاهی

از آنجا که یزیدیان نقطه مقابل هدایت و روشنایی بودند، در مرثیه این دو شاعر با تعابیر: ظلمت، تاریکی، گمراهی و گم‌گشتگی معرفی شده‌اند.

از ظلمت نهان که تقاضای ذات توست ظلمات را مقابل انوار کرده‌ای

رضی می‌گوید گم‌گشتگانی (استعاره از یزیدیان) که به دنبال غیر اهل بیت هستند، چگونه می‌خواهند روشنایی ماه و راه‌هایی روشن را برای از بین بردن تاریکی پیدا کنند؛ یعنی چه کسی جز اهل بیت (ع) برای راهنمایی روشن‌گرانه وجود دارد؟

أَيُّنَ عَنكُمْ لِمُضِلِّ طَالِبٍ وَضَحَ السُّبُلِ وَ أَفْمَارَ الدُّجَى

(همان: ۵۱)

۲-۱-۴. حیوان‌صفتی

از آنجا که شقاوت‌های بنی‌امیه، بسیار ددمنشانه بوده است، در شعر این دو شاعر بارها به وحوش و حیوانات تشبیه شده‌اند.

از جسم پاک یوسف من کنده پیرهن گرگ کهن ز شیر خدا بی‌خبر دریغ
این شاه‌باز عالم جان‌گز جفای چرخ در چنگ کرکسان شده بی‌جان حسین توست

رضی می‌گوید آیا حضرت فاطمه در زمان متولد شدن امام می‌دانست که شکار نیزه‌های افراد رانده شده می‌شود. در جایی دیگر می‌گوید امویان مانند حیوان‌هایی وحشی صفت (استعاره مصرّحه از یزیدیان)، پاهای اهل‌بیت را که (در کرامت) سبقت گرفته و دست‌های بخشنده آن‌ها را که واسطه کرم بودند، از بدن‌هایشان خوردند (کنایه از قطع کردن).

أُتِرَى دَرَّتْ أَنَّ الْحُسَيْنَ طَرِيدَةً لَقْنَا بَنِي الطُّرْدَاءِ عِنْدَ وِلَادِهَا

(همان: ۳۳۸)

وَتَنُوشُ الْوَحْشُ مِنْ أَجْسَادِهِمْ أَرْجُلُ السَّبْقِ وَ أَيْمَانُ التَّوَدَى

(همان: ۴۸)

۲-۱-۳. شادی بر غم اهل‌بیت (ع)

ابیات ذیل اشاره به شادی و برپایی عید بنی‌امیه از رفتارهای غیر انسانی در روز عاشورا دارد:

اهل ستم شکفته و در خنده شاد شاد اهل حرم گرفته و در گریه زار زار

رضی نیز به عید شمردن روز عاشورا از طرف شامیان و یزیدیان اشاره می‌کند و می‌گوید: ماتم‌هایی در عراق هست که اموی‌ها در شام آن‌ها را از اعیاد می‌شمارند!

كَانَتْ مَاتِمٌ بِالْعِرَاقِ تُعَادُّهَا أُمُومَةٌ بِالشَّامِ مِنْ أَعْيَادِهَا

(همان: ۳۳۸)

۲-۱-۴. عدم تکریم مهمان

نصرت کوفیان را سرزنش می‌کند، که آب را بر مهمان بسته و خون مهمان را خوردند و در میزبانی چنان جفا کردند، که حتی کافر هم نمی‌کرد:

جمععی به کوفه منتظر مقدم تواند آنان که تشنه‌اند به خون خدا حسین

این میهمان که دیده جفایی ز میزبان کز کافری ندیده مسلمان حسین توست

رضی می‌گوید: اهل‌بیت به‌مانند مهمان‌هایی بدون تدارک استقبال، در بیابانی از بی‌آبی و بی‌علفی فرود

آمدند و به جای نزل و پذیرایی، خوانی مملو از جام شهادت برای آن‌ها مهیا کردند:

وَ ضُيُوفٍ لِفَلَاةٍ قَفْرَةٍ نَزَلُوا فِيهَا عَلَى غَيْرِ قَرِي

(همان: ۴۸)

۲-۱-۵. ماندگاری و شدت غم

از دیگر همانندی‌ها وسعت و ماندگاری غم کربلاست. نصرت می‌گوید:

آه از دمی که این همه ذرات کاینات پوشند در غم تو لباس عزا حسین

رضی می‌گوید: اگرچه روزها بعد از کربلا سپری شود، اما دیگر نه اشتیاقی باقی است و نه اشکی خشک می‌شود و اندوه اهل بیت همچنان فراموش ناشدنی و ابدی است:

قَدْ مَضَى الدَّهْرُ وَ عَقَى بَعْدَكُمْ لَا الْجَوَى بَاحٌ وَلَا الدَّمْعُ رَقَا

(همان: ۵۱)

۲-۱-۶. خون خواهی امام زمان (عج)

نصرت چاره غم و درد و مصیبت بزرگ کربلا را در خون خواهی مهدی (عج) می‌داند:

نصرت مگو که چاره‌ی این درد بی‌دوا جز انتقام حضرت صاحب زمان نماند

سید رضی، خطاب به حضرت مهدی (عج) می‌گوید: ای غیرت الهی و ای خشم الهی، به خاطر پیامبر برخیز و شمشیرهای تیز را از غلاف برکش و بر آن جماعتی حمله ببر، که خون اهل پیامبر را به خاطر یزید و زیاد ضایع ساختند:

يَا غَيْرَةَ اللَّهِ اَعْضَيْ لِنَبِيِّهِ وَتَزَحْزَحِي بِالْبَيْضِ عَنْ اَعْمَادِهَا
مِنْ غَضَبَةِ صَاعَتِ دِمَاءِ مُحَمَّدٍ وَبَيْتِهِ بَيْنَ يَرِيدِهَا وَزَيَادِهَا

(همان: ۳۳۹)

۲-۲. بررسی وجوه اختلاف

۲-۱-۲. نوع آغاز مرثیه

نصرت در ۱۵ بیت آغازین، با نوعی تجاهل‌العارف و محتشم‌وار و عاطفی و سپس با براعت استهلال، مرثیه‌اش را شروع می‌کند؛ اما مرثیه‌های سید رضی، با کلامی حماسی و سنگین و همراه با خشم و لعن و نفرین آغاز می‌شوند.

۲-۲-۲. نوع فضای روحی مرثیه

فضای روحی مرثیه نصرت نسبت به رضی، فضایی رقت‌انگیز و عاطفی دارد، اما فضای احساسی حاکم بر

مرثیه رضی، فضایی خشن و سنگین است. یکی از دلایل آن، پرداخت بیشتر نصرت به توصیف حسینیان و پرداخت بیشتر رضی به توصیف یزیدیان است.

۲-۲-۳. نوع زبان

مرثیه نصرت از لحاظ زبانی، نسبت به سید رضی عادی و خبری است. در حالی که مرثیه رضی، از نظر زبانی قوی و تصویرساز و ادبی است.

۲-۲-۴. نوع قالب ادبی

مرثیه نصرت در قالب ترکیب‌بندی با شانزده بند است و مرثیه‌های سید شریف رضی در قالب قصیده هستند.

۲-۲-۵. نوع آرایه‌های بدیعی و بیانی

با توجه به مقایسه کلی مرثیه‌های دو شاعر می‌توان گفت که در شعر سید رضی نوع پرداخت و تصویرگری و اشاره به ظرایف صور خیال قوی‌تر است. به‌عنوان نمونه رضی در ابیات زیر از تشبیه‌ها و استعاره‌های بسیار ظریفی استفاده کرده است. در حالی که در شعر نصرت و در طی ابیاتی که در این مقاله ذکر شده است، چنین آرایه‌ها و زنجیره‌های ظریفی دیده نمی‌شود و آرایه‌ها پراکنده و کمتر است:

لَمْ يَدُوقُوا الْمَاءَ حَتَّى اجْتَمَعُوا	بِحَدِّ السَّيْفِ عَلَى وَرْدِ الرَّدَى
يَا قَتِيلًا قَوْضَ الدَّهْرُ بِهِ	عُمِدَ الدِّينِ وَأَعْلَامَ الْهُدَى
وَجَوْهَهُ كَالْمَصَابِيحِ فَمَنْ	قَمَرِ غَابٍ وَنَجْمٍ قَدْ هَوَى
وَتَنَوَّشُ الْوَحْشِ مِنْ اجْسَادِهِمْ	أَرْجُلَ السَّبْقِ وَإِمَانَ التَّدَى
تَكْسِيفُ الشَّمْسِ شَمُوسًا مِنْهُمْ	لَا تُؤَدِّبُنَهَا ضِيَاءٌ وَغُلَى

(همان: ۴۸-۴۹)

در بیت اول ورد الردی اضافه تشبیهی است، مرگ به آب‌شخور تشبیه شده است و در مصراع دوم تشبیهی مرکب خلق شده است و سرعت دواندن اسرا و اهل‌بیت به سمت مرگ (و لبه‌های شمشیر) به سرعت حرکت شتران به سوی نوشیدن آب تشبیه و تصویرگری شده است و بین الردی و الماء تضاد برقرار است. در بیت دوم عمد الدین و اعلام الهدی استعاره مصرح از امام حسین و شهدا هستند. در بیت سوم مصابیح، قمر و نجم استعاره از امام و یارانش هستند. در بیت چهارم تنوش استعاره مصرح تبعیه به معنی قطع کردن است و الوحش استعاره از یزیدیان است. در بیت پنجم شمس شمس استعاره از امام و یارانش است.

۲-۲-۶. نوع ترفندهای معانی

در مرثیه نصرت شیوه پرداختن به مضامین، بیشتر بر اساس تکرار و اطناب و تفصیل است؛ به‌عنوان مثال در

بندهایی که به معرفی حضرت زینب و مویه‌های آن پرداخته است، این ویژگی‌ها دیده می‌شود. در حالی که با توجه به کاربرد زیاد رضی در استفاده از آرایه‌هایی به‌مانند اضافه تشبیهی و استعاره‌ها، باید گفت شیوه وی مبتنی بر ایجاز است.

۲-۲-۷. نوع نگرش ارزشی به خاک کربلا

در مرثیه نصرت، در ۸ بیت از بند ۱ و ۱۹ بیت از بند ۷، به تقدیس و پاکی و سجده گاه‌بودن کربلا پرداخته شده است:

خاکی که بو تراب دو زانو بر او نهاد خاکی که بود سجده گاه انبیا بین
 اما رضی، کربلا را درخور لعن و ذم می‌داند، مکانی که امام آن را کرب و بلا نامید. (رک: ابن عساکر، ۱۴۱۴:۳۲۲) وی زمین کربلا را مانند انسانی دانسته و بدان عتاب کرده و می‌گوید: ای کربلا غم و رنجت
 همیشگی باد و چه بسیار سختی‌هایی که اهل پیامبر در نزد تو دید:

كَرْبَلَا لَزَلتِ كَرْبَاً وَ بَلَا مَا لَقِيَ عِنْدَكَ آلَ الْمُصْطَفَى

(الشریف الرضی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۸)

۲-۲-۸. زمینه و موضوع کلی مرثیه

محور و موضوع کلی مرثیه نصرت، شرح اعمال ددمنشانه دشمن و سرزنش امویان و انتقادی است. در حالی که محوریت شعر نصرت توصیف سپاه امام و مظلومیت آن‌ها و روضه‌ای است.

۲-۳-۳. موضوع‌های انحصاری مرثیه‌ها

۲-۳-۱. موضوع‌های مختص مرثیه نصرت

موضوع‌های ذیل فقط در مرثیه نصرت آمده است.

۲-۳-۱-۱. کتک زدن اهل حرم

پر شد جهان ز غلغله و بانگ طرّقوا یعنی ز پرده مادر سلطان دین رسید

۲-۳-۱-۲. غارتگری امویان

تاراج گشته مال و سراپرده پایمال افتاده پرده، پردگیان برملا بین

۲-۳-۱-۳. از قتلگاه عبوردادن اسرا و همراه کاروان سر امام را به شام بردن

گم کرده راه قوم خدانشناس آه از راه قتلگه کشیدند آن قطار

شد کربلا تو را وطن و می‌رود سرت بهر تسلی دل من در سفر دریغ

۳-۱-۴. سر امام و شهدا در طشت زر گذاشتن

سرهای سروران همه در طشت‌های زر
ز آن جمله پیشرو سر سردار کرده‌ای

۳-۱-۵. اهانت شمر بر سینه امام (ع)

شمرش به روی سینه خدایش درون دل
چشمش به سوی جمع پریشان حسین توست

۳-۱-۶. توصیف ماه محرم

نصرت یک بند دوازده‌بیتی، در مورد ماه محرم و توصیف آن به ماه غم، سروده است؛ اما مرثیه‌های رضی، چنین توصیف‌هایی از ماه محرم ندارند:

باز از فلک هلال محرم شد آشکار
باز از افق ستاره ماتم شد آشکار

۳-۱-۷. عزای همگانی در کربلا

از موارد پرسامد مرثیه نصرت، حضور تمام کائنات و فرشتگان و جبرئیل و روح و تمام اولیا و پیامبران در کربلا است، که در مرثیه‌های رضی نیست:

ارواح انبیا و ملائک ز آسمان
نازل شدند جمله در آن عرصه با شتاب

۳-۱-۸. محتوم و تقدیری بودن کربلا

نصرت از سرنوشت محتوم امام از زمان ازل و پیش از خلقت و به تعبیر قرآنی عهد الست و بلی گفتن امام بر مصیبت کربلا خبر می‌دهد:

ای عاشق بلا که همی گفت در ولد
پیش از الست حق بلی بر بلا حسین

۳-۱-۹. امتحان الهی بودن کربلا

یک محنت و مصیبت بی‌انتها نگر
یک ابتلا و فتنه مردآزمابین

۳-۱-۱۰. میراث داری پیامبران به امام

نصرت در ابیاتی متعدّد از میراث دار بودن همه اولیا و پیامبران به امام یاد می‌کند، که همان بحث عرفانی و حدیث برتری اولیاء محمدی بر همه انبیا و اولیای سلف است. نمونه‌ای:

این پادشاه شاه‌نشان کز علو شأن
بخشیده خاتم به سلیمان حسین توست

۳-۱-۱۱. انگیزه عشق در کربلا

نصرت در ابیاتی به مسیری از هدف عاشقانه امام و کشتگان عشق، که در راه مهر و وفا و عهد ازلی، که با معشوق ازلی بسته‌اند، اشاراتی دارد:

عهد ازل نگشته فراموش از دلم ای عاشق معامله کربلا حسین

۲-۳-۱-۱۲. توصیف و القاب ویژه امام

از موضوع‌های قابل توجه در مرتبه نصرت القاب متعدد خصوصاً توصیفات عرفانی برای امام حسین (ع) است. نمونه‌هایی: سرنهاده فرمان، قربانی کوی وفا، شاه شهیدان، شهریار ملک شهادت، ذبیح‌الله، نور نخل وادی ایمن، ماه مهر دوش نبوت، آفتاب مصر ملاح، میزبان کریمان، وجه‌الله، محراب طاعت، شاه‌باز عالم جان، قبله حاجات، مظهر حق، ایها القتیل، ایها الغریب، زیور شفاعت روز جزا، سربلند صفة صدق و صفا، پای بند مهر و وفا، سر کنت کترا و مکنون من عرف، رمز هل اُتی، عاشق یگانه، معشوق عالمین، نور خدا، روح رسول خدا، سید اعظم، یکی بودن حسین و مصطفی، خون خدا، دست حق، عاشق بلا، آئینه اولیا، آئینه حق، علت ایجاد عالم، جلوه‌گاه صورت العلی، سر ولایت علی.

۲-۳-۱-۱۳. توصیف مویه‌های زینب

از موتیف‌های پرتکرار و مخصوص نصرت، مویه‌های زینب در ۱۱ بیت از بند ۸ در ۱۶ بیت از بند ۱۱، در ۱۵ بیت از بند ۱۲، در ۲۶ بیت از بند ۱۳ و در ۴۵ بیت از بند ۱۴ است، که بعد عاطفی و روضه‌ای مرتبه نصرت را قوی‌تر کرده است:

اندر جهان نه چون تو بلاکش برادر است نه مثل من مصیبت و غم دیده خواهر است

۲-۳-۱-۱۴. توصیف عباس

در شعر نصرت به توصیف حضرت عباس نیز پرداخته شده است:

بر قتلگاه ماه بنی‌هاشمی برو آن ماه منخسف ز غبار جفا ببین

۲-۳-۲. موضوع‌های انحصاری مرثیه‌های سید رضی

موضوع‌های ذیل مختص مرثیه‌های رضی است.

۲-۳-۲-۱. شکوه و شکایت امام از بنی‌امیه

رضی می‌گوید: امام از امویان به خداوند شکوه و شکایت می‌کرد و آیا گروهی که امام از آن‌ها به خدا گلایه می‌کرد رستگار می‌شوند؟

شَاكِيًا مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ وَ هَلْ يُفْلِحُ الْجَيْلُ الَّذِي مِنْهُ شَاكَا

(الشريف الرضي، ۱۴۱۵، ج ۱: ۵۱)

۲-۳-۲-۲. تحریف دین

رضی از گمراهی و منحرف شدن بنی‌امیه سخن گفته است، که دین پیامبر را تغییر داده و مصیبت‌های عظیم

به خانواده پیامبر رسانده و حقوق اهل بیت را رعایت نکردند:

بَدَلُوا دِينِي وَ نَالُوا أُسْرَتِي بِالْعَظِيمَاتِ وَ لَمْ يَزَعُوا أَلْسِي

(همان: ۵۱)

۳-۲-۳. شفادهنگی شهدا

رضی می‌گوید شما اهل بیت شفادهندگان درد کوری هستید و در فردای آخرت روانه کننده و هدایتگر به سمت آب کوثر هستید:

أَنْتُمْ الشَّافُونَ مِنْ دَاءِ الْعَمَى وَ غَدَاً سَاقُونَ مِنْ حَوْضِ الرَّوَا

(همان)

۴-۲-۳. نمازگزاران دروغین

رضی امویان را منافقینی دانسته، که سر مبارکی را حمل کردند، که بر جدش در نماز خواندن با رضایت و یا با اکراه اقتدا می‌کردند:

حَمَلُوا رَأْسًا يُصَلُّونَ عَلَيَّ جَدِّهِ الْأَكْرَمِ طَوْعًا وَ إِبَا

(همان: ۵۰)

۵-۲-۳. روز عاشورا

رضی به عنوان روز عاشورا نیز اشاره کرده است و می‌گوید پس گفتم دور باد، دیگر سرزنش شنیده نمی‌شود و حزن و اندوه فقط در روز عاشورا درک می‌شود:

فَقُلْتُ هِيَ هَات فَاتِ السَّمْعِ لَا يُفْقَهُمُ الْحُزْنَ إِلَّا يَوْمَ عَاشُور

(همان: ۴۴۸)

۶-۲-۳. سرزنش

رضی بنی‌امیه را سرزنش می‌کند، که چرا آگاهی بخشی دین را به گمراهی فروختید و هلاکی را به بهای پیروزی خریدید و خون‌های فرزندان محمد (ص) را ضایع ساختید:

بَاعَتْ بِصَاوِرِ دِينِهَا بِضَالِلِهَا وَ شَرَّتْ مَعَاطِبَ غَيْهَا بِرَشَادِهَا

(همان: ۳۳۸)

۷-۲-۳. آزردهنگی پیامبر (ص)

در احادیثی از پیامبر، به دوست داشتن اهل بیت و حسنین (ع) تأکید شده است: «مَنْ أَحَبَّهُمَا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي» (خوارزمی، ۱۴۱۸: ۱۴۱) رضی به این موضوع و اندوه پیامبر از حق‌ناشناسی امویان نسبت به اهل بیت بسیار اشاره دارد و می‌گوید پیامبر مانند کشاورزی بود، که در نیکی کاشتن برای این قوم

هیچ گونه کوتاهی نکرد، ولی آن قوم به اهل بیتش تلخ‌ترین میوه‌ها را چشانیدند:

عَارِسٌ لَمْ يَأَلْ فِي الْعَرَسِ لَهْمٌ فَأَذَافُوا أَهْلَهُ مُرَّ الْجَنَى

(الشریف الرضی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۹)

۲-۳-۸ دعوت به گریه

در شعر رضی به گریستن بر اهل بیت بسیار اشاره رفته است و می‌گوید گریه حضرت فاطمه برای فرزندانش، ما را از گریستن بر یار و خانه معشوق بازداشته است (کنایه از گریستن بر اهل بیت).

شَغَلَ الدُّمُوعُ عَنِ الدِّيَارِ لِيَكَاةٍ فَاطِمَةَ عَلَى أَوْلَادِهَا

(همان: ۳۳۸)

۳. نتیجه گیری

با توجه به آنچه در متن مقاله بیان شد، در ترکیب‌بند عاشورایی نصرت اردبیلی و قصیده‌های عاشورایی سید رضی، وجوهی از همانندی‌ها و ناهمانندی‌ها وجود دارد، که ارتباط و اشتراکات فکری - فرهنگی و عقیدتی این دو اثر را در بستر دو تمدن بزرگ عربی و فارسی روشن‌تر ارائه می‌دهد.

- همانندی‌ها عبارت‌اند از: ۱. انگیزه واقعه کربلا؛ ۲. انواع جنایات (بستن آب، قربانگاه، ذبح شهدا، سر بر نیزه زدن، اسب تاختن بر شهدا، عدم تدفین، اهانت به مسکن و خیمه، حجاب برداشتن، اسارت اهل حرم)؛ ۳. توصیف سپاه امام (غریبی، شجاعت، استغاثه، جراحات)؛ ۴. توصیف سپاه یزید (ظلمت، حیوان‌صفتی، شادی بر غم اهل بیت، عدم تکریم مهمان)؛ ۵. شدت و ماندگاری غم، خونخواهی امام زمان (عج).

- ناهمانندی‌ها عبارت‌اند از: ۱. نوع آغاز مرثیه‌ها؛ ۲. نوع فضای احساسی حاکم بر کل مرثیه؛ ۳. نوع قالب؛ ۴. شدت و ضعف آرایه‌ها؛ ۵. نوع ترفندهای معانی؛ ۶. نوع نگرش به خاک کربلا؛ ۷. نوع محوریت و تم کلی مرثیه‌ها.

- موضوع‌های انحصاری مرثیه نصرت عبارت‌اند از: ۱. کتک زدن؛ ۲. غارتگری؛ ۳. از قتلگاه عبور دادن اسرا؛ ۴. سر امام در طشت زرین گذاشتن؛ ۵. اهانت شمر بر سینه امام؛ ۶. توصیف محرم؛ ۷. عزای همگانی؛ ۸. محتوم بودن کربلا؛ ۹. امتحان بودن کربلا؛ ۱۰. القاب امام؛ ۱۱. مویه‌سرایی زینب؛ ۱۲. توصیف حضرت عباس.

- موضوع‌های انحصاری مرثیه رضی عبارت‌اند از: ۱. شکوه و شکایت امام از بنی امیه؛ ۲. تحریف دین؛ ۳. شفا دهندگی شهدا؛ ۴. نماز گزاران دروغین؛ ۵. روز عاشورا؛ ۶. سرزنش و پرسشگری؛ ۷. آزردهی پیامبر؛ ۸.

گریه بر عاشورا.

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) میرزا نصرالله، متخلص به نصرت و ملقب به نصرتعلی، از شاعران و عارفان قرن سیزدهم و متولد اردبیل است. اصلش از انجاب و اطیاب اردبیل است (هدایت، ۱۳۸۲: ۲/ب؛ ج ۳: ۱۵۲۶) و اجدادش از طالقان به قریه کلخوران (روستایی در بخشی از اردبیل) و از آنجا هم به شهر اردبیل کوچ کرده‌اند. (مجتبی‌زاد، ۱۳۹۰: ۶۱۰-۶۰۹؛ دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۹۴؛ بامداد، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۳۶) وی در پی یکسری وقایع سیاسی، به کرمانشاه تبعید می‌شود و به نصرت کرمانشاهی نیز شهرت می‌یابد. این شاعر عارف مسلک، از همان آغاز جوانی، در پی طلب علوم نقلی و عقلی به اصفهان و تبریز و سایر بلاد ایران می‌رود و در تکمیل دانسته‌هایش به طلب علوم یقینی و معارف عرفانی نیز می‌پردازد. (هدایت، ۱۳۸۲، ج ۲/ب؛ ج ۳: ۱۵۲۶؛ شیروانی، ۱۳۱۵: ۶۸-۶۷؛ تربیت، بی تا: ۳۷۵)

نصرت بعد از مدتی، به خدمت یکی از اقطاب صوفیه نعمت‌اللّهیه، ملقب به حسینعلی شاه درآمده و بعد از رسیدن به رتبه شیخی به امر وی به آذربایجان می‌رود. (دیوان بیگی شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۸۸۹؛ شیروانی، ۱۳۱۵: ۶۸-۶۷؛ تربیت، بی تا: ۳۷۵) وی چندی به معلمی محمدشاه، فرزند و نایب‌السلطنه عباس میرزا می‌پردازد و بعدها که محمدشاه خطبه سلطنت به نامش خوانده می‌شود، به پاس خدمت‌های نصرت، به او لقب صدارت داده و کرسی وزارت را به او امر می‌کند. (هدایت، ۱۳۸۲، ج ۲/ب؛ ج ۳: ۱۵۲۶؛ دیوان بیگی شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۱۸۸۹؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۶۹۲؛ شیروانی، ۱۳۱۵: ۶۸؛ شیرازی، ۱۳۴۹، ج ۳: ۲۴۰)

مورّخین در این زمینه نوشته‌اند: پس از قتل قائم‌مقام، محمدشاه، معلم دوران کودکی و مراد و مرشد خود، حاجی میرزا عباس، پسر میرزا مسلم بیات ایروانی معروف به حاجی میرزا آقاسی را به مقام صدراعظمی برگزید و او چند تن از رجال منسوب به هواداری از سیاست بریتانیا را به وزارت انتخاب کرد. از آن جمله میرزا آقاخان نوری را به وزارت لشکر و میرزا نصرالله اردبیلی را به وزارت وظایف برگزید و ضمناً با موافقت محمدشاه، میرزا حسن خان آشتیانی را با لقب مستوفی‌الممالک به ریاست دیوان انشاء که در حقیقت به منزله وزارت دربار بود، منصوب نمود (شمیم، ۱۳۸۷: ۱۲۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۶۳۳-۱۶۳۲).

اما بعدها در پی علل گوناگون، عنوان صدرالممالکی، از جنبه کرسی ظاهری به آقاسی و از جنبه باطنی به نصرت می‌رسد. در برخی منابع آمده است که «علل غلبه آقاسی بر نصرت را در تصدی وزارت، دشمنی آن دو ذکر کرده‌اند.» (رک: دیوان بیگی شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۸۹۰) در این مورد گفته‌اند: «در این اوقات حاجی میرزا آقاسی در خدمت شاه مرحوم راه یافته و میرزا نصرالله اردبیلی را که معلم پادشاه مرحوم بود به بی‌ربطی و بی‌سررشتگی از امر تعلیم در نظر نایب‌السلطنه جلوه داد.» (جهانگیرمیرزا، ۱۳۸۴: ۷۶ و ۲۳۸) اما مریدان نصرت، سبب آن را مناعت طبع نصرت دانسته‌اند.

بعد از مرگ محمدشاه و فرار میرزا آقاسی، چشم‌های امیدوار مردم، دوباره به صدارت نصرت دوخته شد، اما جانشین محمدشاه، وزارت را به میرزا تقی‌خان فراهانی سپرد. در پی این تفویض، مردم ناراضی شدند و طرفداران آذربایجانی نصرت، در تهران شورش برپا کردند، که با تدبیر میرزا آقاخان نوری فرونشست. حکومتیان نیز در پی این ماجرا، کسانی را که در برپایی شورش دخالت داشتند، متفرق و تبعید کردند. در این میان، برای نصرت نیز حکم تبعید از تهران و سپس به کرمانشاه صادر شد. نصرت نیز بقیه عمرش را در کرمانشاه سپری کرد و در پی مراجعت از سفر عتبات عالیات، در یازدهم محرم سال ۱۲۷۲ هجری

قمری در کرمانشاه وفات می‌کند و بر حسب وصیت، در جوار حسینعلی شاه مدفون می‌گردد. (دیوان بیگی شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۸۹۰؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۷۸۱؛ بامداد، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۳۶) بعضی از تذکره نویسان و مورخین تاریخ وفات او را ششم محرم سال ۱۳۷۱ هجری قمری نوشته‌اند. (هدایت، ۱۳۸۲، ج ۲/ب؛ ج ۳: ۱۵۲۶؛ خورموجی، ۱۳۴۴، ج ۲: ۱۶۰؛ تربیت، بی‌تا: ۳۷۶)

مرثیه سرایی در دوران نصرت و در قرن ۱۳، از تأثیر گذارترین جلوه‌های مذهبی در میان مردم بوده و وقایعی چون کربلا نیز، به عنوان مضمونی مهم، در نثر و نظم گسترش یافته و مرثیه و نوحه، به عنوان محمول آن به کار رفته است و در نتیجه بسیاری از شاعران این دوره، به عنوان مرثیه‌سرا به توصیف حماسه کربلا پرداخته‌اند. (طایفی، ۱۳۸۹: ۱۰۹)

دیوان وی شامل چهل و هفت غزل، بیست و شش رباعی، یک ترکیب‌بند شانزده بندی (۳۳۱ بیتی) و چندین مثنوی بلند است، آن چنانکه حجم اصلی و سه چهارم دیوان وی را مثنوی هایش تشکیل داده است. زبان و شکل ظاهری اشعار وی ساده و روان و عقیف و به دور از زشتی و مملو از ویژگی‌های سبک خراسانی است. اندیشه و شکل باطنی اشعارش نیز مملو از تفکرات عرفانی و شیعی است.

از دیوان نصرت کرمانشاهی ۱۲ نسخه خطی شناسایی شده است که به ترتیب تاریخ عبارت‌اند از: ۱. (دیوان نصرت اردبیلی (نصرت علیشاه))، نسخه مورخه ۱۲۸۶ ه. ق. به شماره ۷۶۸۶، کتابخانه مجلس (صدرائی خوئی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۸۲-۱۸۰)؛ ۲. (دیوان نصرت)، نسخه مورخه ۱۲۸۸ ه. ق. به شماره ۱۵۹۷۷/۳، کتابخانه مجلس (همان، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۶۸-۱۶۷)؛ ۳. (دیوان نصرت علیشاه)، نسخه مورخه ۱۲۹۷ ه. ق. به شماره ۱۳۷۲۷، کتابخانه مجلس (همان، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۸۲-۱۸۰)؛ ۴. (دیوان نصرت علیشاه)، نسخه مورخه ۱۲۹۸ ه. ق. به شماره ۷۵۱۰-۵، کتابخانه ملی ایران (<http://opac.nlai.ir>)؛ ۵. (دیوان)، نسخه مورخه ۱۳۰۳ ه. ق. به شماره ۶۰۲۴، کتابخانه دانشگاه تهران (دانش پژوه، ۱۳۴۶، ج ۱۶: ۱۸۱)؛ ۶. (دیوان)، نسخه مورخه ۱۳۱۲ ه. ق. به شماره ۱-۲۸۱۹، کتابخانه دانشگاه تهران (همان، ۱۳۴۰: ۱۳۴۹/۱)؛ ۷. (دیوان نصرت)، نسخه مورخه ۱۳۱۳ ه. ق. به شماره ۵۰۹۷، کتابخانه و موزه ملک (افشار و دانش پژوه، ۱۳۵۴، ج ۲: ۳۶۵)؛ ۸. (دیوان)، نسخه مورخه ۱۳۲۴ ه. ق. به شماره ۱-۵۰۵۶، کتابخانه دانشگاه تهران (دانش پژوه، ۱۳۴۵، ج ۱۵: ۴۰۹۹)؛ ۹. (دیوان اشعار)، نسخه اواخر قرن ۱۳ ه. ق. به شماره ۱۶۱۱۱، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (فاضل هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۱۷: ۲۴۹)؛ ۱۰. (دیوان نصرت اردبیلی)، نسخه قرن ۱۳ ه. ق. به شماره ۲۳۵۷۱-۵، کتابخانه ملی ایران (<http://opac.nlai.ir>)؛ ۱۱. (دیوان نصرت اردبیلی)، نسخه قرن ۱۳ ه. ق. به شماره ۲۳۵۸۴-۵، کتابخانه ملی ایران (<http://opac.nlai.ir>)؛ ۱۲. (دیوان نصرت کرمانشاهی)، نسخه قرن ۱۴ ه. ق. به شماره ۱۴۰۷/۱، سنا، کتابخانه مجلس (دانش پژوه و علمی انواری، ۱۳۵۹: ۶۶۱/۱)؛ ۱۳. (دیوان نصرت کرمانشاهی)، نسخه قرن ۱۴ ه. ق. به شماره ۱۴۰۷/۲، سنا، کتابخانه مجلس (همان)؛ ۱۴. (دیوان نصرت اردبیلی)، نسخه قرن ۱۴ ه. ق. به شماره ۲۲۹۹۳-۵، کتابخانه ملی ایران (<http://opac.nlai.ir>)

(۲) ابوالحسن محمد بن ابی احمد، مشهور به سید شریف رضی، از شاعران بزرگ مرثیه‌سرای عرب است. وی متولد سال ۳۵۹ هجری قمری، در بغداد (حائری، ۱۹۹۳، ج ۱: ۸۵) و متوفی ۴۰۶ هجری قمری و مدفون در کربلا است. (جعفری، ۱۳۷۵: ۱۵۰)

سید رضی از سادات هاشمی است؛ پدرش با پنج واسطه از نوادگان موسی بن جعفر (ع) و مادرش از نوادگان امام سجّاد (ع) است. (ابن خلکان، بی‌تا: ۴۱۴؛ فروخ، ۱۹۸۹، ج ۳: ۵۹) به همین دلیل بهاء‌الدوله دیلمی، وی را به رضی ملقب کرد. (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۵، ج ۱: ۱۱) سید رضی در همه علوم سرآمد بود و به عنوان فقیه، متکلم و محدثی بزرگ نام‌بردار گشت. وی در

خانواده‌ای که پدرش ریاست علویان (مبارک، ۱۹۳۸: ۱۷) و نقابت طالبیان بغداد و دادگاه مظالم و حجاج را برعهده داشت، رشد کرد. (رک: الثعالی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۱۵۵) سید رضی در نویسندگی و شعر، خاصه مرثیه‌سرایی نیز مشهور بود؛ چنانکه از ده‌سالگی به‌عنوان شاعری ماهر شناخته شد (یوسف، ۱۹۵۸: ۲۳۳-۲۳۴).

یکی از عواملی که در شهرت مرثیه‌وی تأثیر بسیاری داشت، شرایط سیاسی و نگاه مذهبی حکمرانان آل‌بویه بود. در شعر شاعران، شرایط سیاسی، مذهبی و اجتماعی، بیشتر از هر دلیلی، در بروز و خاموشی واقعه‌عاشورا نقش داشته است و نموده‌های آن در شعر شاعری برجسته‌تر یا کم‌رنگ‌تر است. (حسن‌لی و کافی، ۱۳۸۶-۱۳۸۵: ۳۲)

دوران رشد رضی، مقارن با عباسیان و نیز آل‌بویه بود که شیعی‌مذهب بودند و با روی کار آمدن آن‌ها شرایط به نفع شیعیان تغییر کرد؛ (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۵۷) چنان‌که معزالدوله دیلمی، از حاکمان آل‌بویه فرمان داد، که مراسم عزاداری عاشورا را آشکارا انجام دهند و تا شصت سال ادامه یافت. (صفا، ۱۳۵۵، ج ۱: ۲۰۰) این دوره سیاسی را، از لحاظ فرهنگی، عصر زرین و از لحاظ ادبی، عصر سه شاعر بزرگ: سید رضی، متنبی و ابوالعلاء معری نامیده‌اند. (رک: دایرةالمعارف فارسی ۱، ج ۲، ذیل عباسیان) این عصر در نهایت باعث رشد جریان‌های خردگرایی شیعی شده است.

آثار سید رضی عبارت‌اند از: معانی القرآن، مجاز القرآن، مجازات الآثار النبویه، الخصائص، حقائق التأویل و مشابه التزیل، گردآوری نهج‌البلاغه و دیوان اشعار. (صفتی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۷۷؛ امین، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۸۱) وی در انواع شعر: رثا، حماسه، فخر و غزل توانا بوده است. (عباس، ۱۹۵۹: ۲۷) پژوهشگران شعر وی را به حجازیات، رثائیات، شیعیات و فخریات تقسیم کرده‌اند. (الفاخوری، ۱۴۲۲، ج ۱: ۸۳۴-۸۳۳) از خصوصیات اصلی شعر وی، عزت، فخامت و خشونت توأم با نگاه‌های ظریفانه و موشکافانه است. وی ۱۰۸ قصیده در مدح خانواده و مقامات دارد، که روح بزرگواری در همه آن‌ها نمودار است (صوفی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۰۲).

منابع

آل‌بویه لنگرودی، عبدالعلی (۱۳۹۲). بررسی مفهومی قصیده مهدی بحرالعلوم و مقایسه با ترکیب‌بند محتشم کاشانی. *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، ۳ (۱۰)، ۱-۲۳.

ابن ابی الحدید، فخرالدین ابو حامد (۱۹۶۵). شرح نصح البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
ابن خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین (بی‌تا). وفيات الأعیان، بیروت: دار صادر.
ابن عساکر، ابوالقاسم علی (۱۴۱۴). ترجمة ریحانة رسول الله ص (الإمام الحسين ع). تحقیق محمدباقر محمودی. قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.

اژدری فایقی، سعیده (۱۳۸۹). دعبیل و محتشم سرآمد مرثیه‌سرایان. *کیهان فرهنگی*، تهران: ش ۲۸۸-۲۸۹.
اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
افسری کرمانی، عبدالرضا (۱۳۷۱). *نگرشی بر مرثیه‌سرایی در ایران*. تهران: اطلاعات.
افشار، ایرج؛ دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۴). *فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی ملک*. جلد ۲. تهران: دانشگاه تهران.

امامی، نصرالله (۱۳۶۹). *مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی ایران*. تهران: دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.

- امیدعلی، احمد (۱۳۹۶). امام حسین در شعر شیعی شریف رضی. معارف حسینی، ۲ (۵)، ۱۴۲-۱۶۱.
- الأمین، حسن (۱۴۰۹). مستدرکات أعيان الشيعة. سوریه: دار التعارف للمطبوعات.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۸). شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری. تهران: زوار.
- تربیت، محمدعلی (بی تا). دانشمندان آذربایجان. تبریز: بنیاد کتاب فروشی فردوسی.
- الثعالبی، ابو منصور عبد الملك (۱۴۰۳). فی محاسن اهل العصر. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- جعفری، محمد مهدی (۱۳۷۵). سید رضی. تهران: بنیان گذاران فرهنگ امروز.
- جهانگیر میرزا (۱۳۸۴). تاریخ نو. تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: نشر علم.
- حائری، محمد حسین (۱۹۹۳). دائرة المعارف الشیعیة العامة. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- حجازی، علی رضا (۱۴۲۵). حسین بن علی در آینه شعر فارسی. قم: فارس حجاز.
- حسن لی، کاووس؛ کافی، غلامرضا (۱۳۸۶-۱۳۸۵). ویژگی های شعر عاشورایی از قرن چهارم تا پایان قرن نهم. مجله علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ۱۷-۱۶ (۶۲-۶۱)، ۳۱-۶۹.
- خزعلی، انسیه (۱۳۸۳). امام حسین در شعر معاصر عربی. تهران: چشم و چراغ.
- خوارزمی، ابوالمؤید الموفق (۱۴۱۸). مقتل الخوارزمی. تحقیق شیخ محمد سماوی. قم: انوار الهدی.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴). تاریخ قاجار (حقایق الاخبار ناصری). تصحیح: حسین خدیو جم. تهران: زوار.
- دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۴۰). فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. جلد ۱۰. تهران: دانشگاه تهران.
- دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۴۵). فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. جلد ۱۵. تهران: دانشگاه تهران.
- دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۴۶). فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. جلد ۱۶. تهران: دانشگاه تهران.
- دانش پژوه، محمد تقی؛ علمی انواری، بهاء الدین (۱۳۵۹). فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. (سنای سابق، جلد ۱). تهران: انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- دولت آبادی، عزیز (۱۳۷۷). سخنوران آذربایجان. تبریز: ستوده.
- دیوان بیگی شیرازی، احمد (۱۳۶۶). حدیقة الشعراء (ادب و فرهنگ در عصر قاجار). تصحیح و تکمیل و تحشیه عبدالحسین نوائی. تهران: زرین.
- زارع مهرجوری، محبوبه (۱۳۹۶). ترجمه و شرح اشعار شریف رضی. تهران: کتاب اطهر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۶۱). سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه. قم: توحید.
- الشریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۵). دیوان الشریف الرضی. تصحیح یوسف شکری فرحات. بیروت: دار الجیل.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳). انواع ادبی. تهران: میترا.

- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۷). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: بهزاد.
- شیرازی، محمد معصوم (۱۳۴۹). *طرائق الحقائق*. به اهتمام محمدجعفر محجوب. تهران: کتابخانه سنایی.
- شیروانی، زین العابدین (۱۳۱۵). *بستان السیاحه*. تهران: چاپخانه احمدی.
- صدرائی خوئی، علی (۱۳۷۶). *فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*. جلد ۲۶. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدرائی خوئی، علی (۱۳۷۷). *فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*. جلد ۳۷. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدرائی خوئی، علی (۱۳۸۹). *فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*. جلد ۴۴. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۵). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: امیرکبیر.
- الصفدی، صلاح الدین (۱۴۲۰). *الوای بالوفیات*. تحقیق: أحمد الأرناؤوط وترکی مصطفی. بیروت: دار إحياء التراث.
- صوفی، ل. (۱۳۸۱). *زندگی نامه شاعران ایران*. تهران: جاجرمی.
- طایفی، شیرزاد (۱۳۸۹). *بررسی نمودهای مذهبی در شعر عهد قاجار*. *ادیان و عرفان*، ۲ (۴۳)، ۹۹-۱۱۵.
- عباس، احسان (۱۹۵۹). *الشریف الرضی*. بیروت: دار صادر.
- الفاخوری، حنا (۱۴۲۲). *الجامع فی تاریخ الأدب العربی*. قم: دار ذوی القربی.
- فاضل هاشمی، سید محمدرضا (۱۳۸۰). *فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی*. جلد ۱۷. مشهد: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- فروخ، عمر (۱۹۸۹). *تاریخ الأدب العربی*. بیروت: دارالعلم الملايين.
- قمی، عباس (۱۳۸۵). *در کربلا چه گذشت*. ترجمه محمدباقر کمراهی. قم: مسجد مقدس جمکران.
- القیروانی، ابن رشیق (۱۹۸۱). *العمدة فی محاسن الشعر وآدابه وتقده*. التحقیق محی الدین عبدالحمید. بیروت: دار الجیل.
- کافی، غلامرضا (۱۳۸۶). *شرح منظومه ظهیری*. تهران: مجموعه فنی عاشورا.
- گل محمدی، حسن (۱۳۶۶). *عاشورا و شعر فارسی در ترکیب‌بندهای معروف شعرای بزرگ*. تهران: اطلس.
- مبارک، زکی (۱۹۳۸). *عبقریة الشریف الرضی*. بغداد: مطبعة الجزيرة.
- مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۹). *شکوه شعر عاشورا*. قم: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات اسلامی.
- مجتبی‌زاد، صادق (۱۳۹۰). *مشاهیر سخن*. تبریز: فن افزار.
- محمدرضایی، علی‌رضا؛ کیا، مریم (۱۳۸۹). *جستاری بر مرثیه‌های شریف رضی و محتشم کاشانی*. *ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، (۳)، ۳۲۹-۳۵۴.
- نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (۱۲۸۶). *دیوان نصرت اردبیلی (نصرت‌علی شاه)*. نسخه خطی شماره ۷۶۸۶. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (۱۲۸۸). دیوان نصرت. نسخه خطی شماره ۱۵۹۷۷/۳. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (۱۲۹۷). دیوان نصرت علی شاه. نسخه خطی شماره ۱۳۷۲۷. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (۱۲۹۸). دیوان نصرت علیشاه. نسخه خطی شماره ۵-۷۵۱۰. تهران: کتابخانه ملی ایران.

نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (۱۳۰۳). دیوان. نسخه شماره ۶۰۲۴. تهران: کتابخانه دانشگاه تهران.

نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (۱۳۱۲). دیوان. نسخه شماره ۱-۲۸۱۹. تهران: کتابخانه دانشگاه تهران.

نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (۱۳۱۳). دیوان نصرت. نسخه شماره ۵۰۹۷. تهران: کتابخانه و موزه ملک.

نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (۱۳۲۴). دیوان. نسخه شماره ۱-۵۰۵۶. تهران: کتابخانه دانشگاه تهران.

نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (اواخر قرن ۱۳). دیوان اشعار. نسخه شماره ۱۶۱۱۱. مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی.

نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (قرن ۱۳). دیوان نصرت اردبیلی. نسخه شماره ۵-۲۳۵۸۴. تهران: کتابخانه ملی ایران.

نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (قرن ۱۳). دیوان نصرت اردبیلی. نسخه شماره ۵-۲۳۵۷۱. تهران: کتابخانه ملی ایران.

نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (قرن ۱۴). دیوان نصرت اردبیلی، نسخه شماره ۵-۲۲۹۹۳. تهران: کتابخانه ملی ایران.

نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (قرن ۱۴). دیوان نصرت کرمانشاهی. نسخه شماره ۱۴۰۷/۱ س. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

نصرت اردبیلی، میرزا نصرالله صدرالممالک (قرن ۱۴). دیوان نصرت کرمانشاهی. نسخه شماره ۱۴۰۷/۲ س. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۲). مجمع الفصحاء. تهران: امیرکبیر.

ولی زاده، حمید و تقی لو، حافظ (۱۳۹۵). سوگواره سرایی در قصاید شریف رضی، ترجیع بند فراهانی و حدیقه السعدای فضولی. ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۸(۱۴)، ۲۹۴-

۳۱۴

یوسف، نورالدین (۱۹۵۸). الشعراء الثلاثة (أبو طیب المتنبي - أبو العلاء المعري - الشريف الرضي). بیروت: دار الانصاف للتأليف والطباعة والنشر.

References

- Abbas, E. (1959). *Al-Sharif Al-Razi*, Beirut: Dar Sader (In Arabic).
- Afsari Kermani, A. (1992). *An Attitude Toward Towards Lamentation in Iran*, Tehran: Ettela'at (In Persian).
- Afshar, I. & Daneshpajooch, M. T. (1975). *List of Manuscripts of Malek National Library*, (Vol. 2), Tehran: University of Tehran (In Persian).
- Ajhdari Faeghi, S. (2010). "De'bel and Mohtasham, The best poets of lamentation", *Kayhan Farhangi*, Tehran: pp. 288-289 (In Persian).
- Al-Amin, H. (1989). *Mustadrakat-e Ayan al-Shi'a*, Syria: Dar al-Ta'rof for the press (In Arabic).
- Al-Buwayh Langroudi, A. A. (2013). Conceptual study of the ode of Mehdi Bahr al-Uloom and comparison with the composition of Mohtasham Kashani. *Journal of Research of Comparative Literature*, 3 (10), 1-23 (In Persian).
- Al-Fakhouri, H. (2001). *Al-Jami 'in the history of Arabic literature*. Qom: Dar Zavelqorba (In Arabic).
- Al-Qirwani, I. R. (1981). *Introduction to the virtues of poetry, etiquette and criticism*. research by Mohi-ud-Din Abdul Hamid, Beirut, Dar al-Jalil (In Arabic).
- Al-Sharif Al-Razi, M. (1995). *Diwan al-Sharif al-Razi*. edited by Yusuf Shukri Farhat, Beirut: Dar al-Jail (In Arabic).
- Al-Thalabi, AM. A. (1983). *Fi Mahasin-e Ahl al-Asr*. Beirut: Dar al-Kitab al-Elamiyya (In Arabic).
- Bamdad, M. (1999). *Biography of Iranian men in the 12th, 13th and 14th centuries AH*. Tehran: Zavar (In Persian).
- Daneshpajooch, M. T. & Elmi Anwari, B. (1980). *List of Manuscripts of the Library of the Islamic Consultative Assembly*. (Former Senate, Vol. 1), Tehran: Publications of the Library of the Islamic Consultative Assembly (In Persian).
- Daneshpajooch, M. T. (1961). *List of Manuscripts of the Central Library of the University of Tehran*. Volume 10, Tehran: University of Tehran (In Persian).
- Daneshpajooch, M. T. (1966). *List of Manuscripts of the Central Library of the University of Tehran*. Volume 15. Tehran: University of Tehran (In Persian).
- Daneshpajooch, M. T. (1967). *List of Manuscripts of the Central Library of the University of Tehran*. Volume 16. Tehran: University of Tehran (In Persian).
- Divan Beigi Shirazi, A. (1987). *Hadiqath Al- Sho'ara (Literature and Culture in the Qajar Era)*. edited and completed by Dr. Abdolhossein Navai, Tehran: Zarrin (In Persian).
- Dolatabadi, A. (1998). *Speakers of Azerbaijan*. Tabriz: Sotoudeh (In Persian).
- Emami, N. (1990). *Lamentation in Persian Literature of Iran*. Tehran: Central Office of University Jihad (In Persian).
- Etemad Al-Saltanah, M. H. (1997). *Tarikh Montazem Naseri*. edited by Mohammad Ismail Rezvani, Tehran: Book World (In Persian).
- Fazel Hashemi, S. M. R. (2001). *List of Manuscripts of the Central Library and Documentation Center of Astan Quds Razavi*. Vol. 17. Mashhad: Central Library and Documentation Center of Astan Quds Razavi (In Persian).
- Foroukh, O. (1989). *History of Arabic Literature*. Beirut: Dar al-Alam al-Malayin (In Arabic).

- Golmohammadi, H. (1987). *Ashura and Persian poetry in the famous compositions of great poets*. Tehran: Atlas (In Persian).
- Haeri, M. H. (1993). *Public Shiite Encyclopedia*, Beirut: Scientific Foundation for Publications (In Arabic).
- Hassan Lee, K. & Kafi, Gh. (2007). Characteristics of Ashura poetry from the fourth century to the end of the ninth century. Tehran: *Al-Zahra University Journal of Humanities*, 16-17 (61-62), 69-31 (In Persian).
- Hedayat, R. Q. (2003). *Majma Al-Fosaha*. Tehran: Amirkabir (In Persian).
- Hejazi, A. R. (2004). *Hussein Ibn Ali in the Mirror of Persian Poetry*. Qom: Fares Hejaz (In Arabic).
- Ibn Abi Al-Hadid, F. A. H. (1965). *Explanation of Nahj al-Balaghah*, research by Mohammad Abu al-Fazl Ibrahim, Beirut: Dar Ehya Al-Tarath Al-Arabi (In Arabic).
- Ibn Asaker, A.A. (1994). *Translated by Reyhanna Rasoolullah (Imam Al-Hussein)*. research by Mohammad Baqir Mahmoudi. Qom: Islamic Culture Revival Association (In Arabic).
- Ibn Khalqan, A. Sh. (no date). *Wafayat al-'aayan*. Beirut: Dar Sader (In Arabic).
- Jafari, M. M. (1996). *Seyed Razi*, Tehran: The Founders of Today's Culture (In Persian).
- Jahangir Mirza. (2005). *New History*. edited by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Alam Publishing (In Persian).
- Kafi, G. (2007). *Sharh-e Manzomeh Zohri*. Tehran: Ashura technical collection (In Persian).
- Kharazmi, A.M. (1998). *Murder of Al-Khwarizmi*. investigation of Sheikh Mohammad Samawi, Qom: Anwar Al-Huda (In Arabic).
- Khazali, E. (2004). *Imam Hussein in Contemporary Arabic Poetry*. Tehran: Eyes and Lights (In Persian).
- Khormuji, M. J. (1965). *History of Qajar (Haqayeq Al-Akhbar)*. edited by Hossein Khadio Jam, Tehran: Zavvar (In Persian).
- Mohammad Rezaei, A. R. & Kia, M. (2010). An Essay on the Lamentations of Sharif Razi and Mohtasham Kashani. *Comparative Literature, Faculty of Literature and Humanities*, Shahid Bahonar University of Kerman, 3, 329-354 (In Persian).
- Mojahedi, M. A. (2000). *The Glory of Ashura Poetry*. Qom: Islamic Revolutionary Guard Corps, Islamic Research Center (In Persian).
- Mojtaba Zad, S. (2011). *Mashahir-e Sokhan*. Tabriz: Fan Afzar (In Persian).
- Mubarak, Z. (1938). *Abqariyyato Al-Sharif Al-Razhi*. Baghdad: Al-Jazeera Press (In Arabic).
- Nosrat Ardabili M. N. S. (13th century). *Divan Nosrat Ardabili*. Edition No. 23584-5. Tehran: National Library of Iran (In Persian).
- Nosrat Ardabili, M. N. S. (13th century). *Divan Nosrat Ardabili*. Edition No. 23571-5. Tehran: National Library of Iran (In Persian).
- Nosrat Ardabili, M. N. S. (14th century). *Divan Nosrat Ardabili*. Edition No. 22993-5. Tehran: National Library of Iran (In Persian).
- Nosrat Ardabili, M. N. S. (14th century). *Divan Nosrat Kermanshahi*. copy number 1/1407 S, Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly (In Persian).
- Nosrat Ardabili, M. N. S. (14th century). *Divan Nosrat Kermanshahi*. copy number 2/1407

- S, Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly (In Persian).
- Nosrat Ardabili, M. N. S. (1870). *Divan of Nosrat Ardabili* (Nusrat Ali Shah). manuscript No. 7686. Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly (In Persian).
- Nosrat Ardabili, M. N. S. (1871). *Divan Nosrat*. Manuscript No. 3/15977, Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly (In Persian).
- Nosrat Ardabili, M. N. S. (1880). *Divan Nosrat Ali Shah*. Manuscript No. 13727. Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly (In Persian).
- Nosrat Ardabili, M. N. S. (1881). *Divan Nosrat Ali Sha*. Manuscript No. 7510-5, Tehran: National Library of Iran (In Persian).
- Nosrat Ardabili, M. N. S. (1886). *Divan*. No. 6024. Tehran: University of Tehran Library (In Persian).
- Nosrat Ardabili, M. N. S. (1895). *Diwan*. No. 1-2819, Tehran: University of Tehran Library (In Persian).
- Nosrat Ardabili, M. N. S. (1896). *Divan Nosrat*. copy number 5097, Tehran: Malek Library and Museum (In Persian).
- Nosrat Ardabili, M. N. S. (1906). *Divan*. No. 1-5056. Tehran: University of Tehran Library (In Persian).
- Nosrat Ardabili, M. N. S. (late 13th century). *Poetry Divan*. copy number 16111, Mashhad: Astan Quds Razavi Central Library (In Persian).
- Omid Ali, A. (2017). Imam Hussein in Shiite poetry of Sharif Razi. *Maaref Hosseini*, 2 (5), 161-142 (In Persian).
- Qomi, A. (2006). *What happened in Karbala*. translated by Mohammad Baqir Kamrahai. Qom: Holy Mosque of Jamkaran (In Persian).
- Sadraei Khoei, A. (1997). *List of Manuscripts of the Library of the Islamic Consultative Assembly*. Vol. 26. Qom: Islamic Propaganda Office Publishing Center (In Persian).
- Sadraei Khoei, A. (1998). *List of Manuscripts of the Library of the Islamic Consultative Assembly*. Vol. 37. Qom: Islamic Propaganda Office Publishing Center (In Persian).
- Sadraei Khoei, A. (2010). *List of Manuscripts of the Library of the Islamic Consultative Assembly*. Vol. 44. Tehran: Publications of the Library of the Islamic Consultative Assembly (In Persian).
- Safa, Z. (1976). *History of Literature in Iran*. Tehran: Amirkabir (In Persian).
- Safadi, S. (2000). *Al-Wafi Belwafayat*. Investigation: Ahmad Al-Arnaout and Turki Mustafa, Beirut: House of Revival of Heritage (In Arabic).
- Sangari, M.R. (2001). *A Critique of the Poetry Literature of the Sacred Defense*. Tehran: Palizan (In Persian).
- Shamim, A.A. (2008). *Iran during the Qajar Dynasty*. Tehran: Behzad Publications (In Persian).
- Shamisa, S. (2014). *Literary types*, Tehran: Mitra (In Persian).
- Shirazi, M. M. (1970). *Taraeq Al-Haqaeq*. by Mohammad Jafar Mahjoub, Tehran: Sanai Library (In Persian).
- Shirvani, Z. A. (1975). *Bostan al-Siyaha*. Tehran: Ahmadi Printing House (In Persian).
- Sobhani, J. (1982). *Fate from the perspective of science and philosophy*. Qom: Tawhid (In Persian).
- Sufi, I. (2002). *Biography of Iranian poets*. Tehran: Jajarmi (In Persian).

- Tarbiat, M. A. (no date). *Scientists of Azerbaijan*. Tabriz: Ferdowsi Bookstore Foundation (In Persian).
- Tayefi, Sh. (2010). Study of religious manifestations in the poetry of the Qajar era. *Religions and Mysticism*, 2 (43), 99-115 (In Persian).
- Valizadeh Hamidloo, H. (2015). Mourning in Sharif Razi's poems, Farahani's preference and Hadiqa Al-Soada Fuzuli. *Comparative Literature, Faculty of Literature and Humanities*, Shahid Bahonar University of Kerman, 8 (14), 314-294 (In Persian).
- Yusuf, N. (1958). *The three poets*. Beirut: Dar Al-Ansaf for Editing, Printing and Publishing (In Arabic).
- Zare Mehjouri, M. (2016). *Translation and explanation of the poetry of Sharif Razi*. Tehran: Athar Book (In Persian).

